

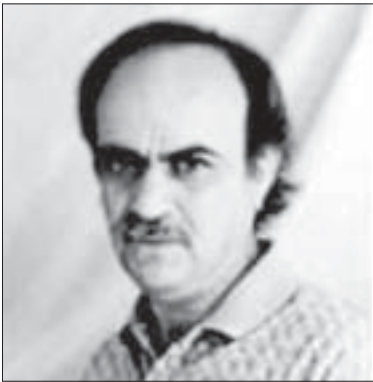
خبرها

چهار کنسرت در سال برنامه ارکستر سنتی تالار وحدت

میراث خبر : ارکستر سنتی تالار وحدت در پایان هر فصل سال، علاوه بر برنامه‌های متفرقه و حضور در جشنواره‌های داخلی و خارجی، کنسرت برگزار می‌کند. این ارکستر به سرپرستی جمشید عندلیبی از اواخر سال گذشته پس از شانزده سال توقف فعالیت خود را از سر گرفت و اولین برنامه خود را در جشنواره فجر سال گذشته برگزار کرد. جلیل عندلیبی دراین باره به میراث خبرگفت: «براساس توافقی که با دفتر موسیقی داشتیم قرار شد ارکستر در یک برنامه از پیش تعیین شده در پایان هر فصل کنسرتی در تالار وحدت برگزار کند.

البته شرکت در جشنواره‌ها و برنامه‌های خاص یا کنسرت‌های خارج از ایران هم یکی دیگر از فعالیت‌های آن به شمار می‌آید. در حال حاضر دو روز در هفته، یکشنبه‌ها و چهارشنبه‌ها ارکستر در تالار وحدت تمرین می‌کند که اواخر بهار کنسرتی اجرا کند. در اولین کنسرت برخی از قطعاتی که در جشنواره فجر اجرا شد، به دلیل استقبال مردم مجدداً نواخته می‌شود.»
عندلیبی درباره راه اندازی دوباره این ارکستر گفت: «وظیفه ما سر و سامان دادن به موسیقی ایرانی و الگوسازی است. ما در این ارکستر موسیقی‌هایی را اجرا می‌کنیم که از استانداردهای لازم برخوردار باشد. از طرفی موسیقی ایرانی باید به گونه‌ای ارائه شود که با ذائقه امروزی مردم و تغییرات زمان هماهنگی داشته باشد. در این ارکستر هم چنین کاری صورت گرفته است.»
او ادامه داد: «هنرمند باید بداند چه سازده که در ضمن حفظ اصالت‌های فرهنگی و هنری مخاطبان را هم راضی کند.»
ارکستر سنتی تالار وحدت سال ۱۳۵۴ با نام ارکستر مولانا آغاز به کار کرد. این کنسرت از فوق برنامه‌های دانشجویان رشته موسیقی دانشگاه تهران شکل گرفت. پس از انقلاب با حمایت‌های فرهنگ و هنر به کار خود ادامه داد و به ارکستر سنتی تالار وحدت شهرت یافت. سپس در سال ۶۷ به دلیل مشکلاتی تعطیل شد. این ارکستر از سال گذشته دوباره شکل گرفت و کار خود را آغاز کرد.

«نوای نی نهفت» جنگوک منتشر شد



فارس : آلبوم موسیقی «نوای نی نهفت» از «عطا جنگوک» توسط انتشارات نواگر در بازار موسیقی منتشر شد. «عطا جنگوک» نوازنده تار و سه‌تار با اعلام این خبر گفت: این آلبوم که شامل دونوازی تنبک و سه تار در دستگاه نواست بعد از آلبوم «یارکدیم» منتشر شده است که «مظفرزاده» با نوای تنبک خود مرا در این آلبوم همراهی کرده است. وی در ادامه از انتشار آلبوم دیگر خود خبر داد و افزود: در حال حاضر مشغول نوشتن و تنظیم آن هستم که قرار است با ارکستر کامل موسیقی ایران شامل سازهای چون تار، سه تار، ستور، نی، کمانچه، تنبک، عود و تارپاس ضبط و منتشر شود. این آلبوم که هنوز اسمی برای آن انتخاب نکرده‌ایم به صورت آوازی در دستگاه شور ضبط می‌شود. «جنگوک» با اشاره به وضع نایسامان بازار انتشار آلبوم اظهار داشت: بازار نوار و سی دی با توجه به استقبال مردم زیاد مناسب نیست و حامی و حمایت کننده‌ای نیز وجود ندارد و بیشتر شرکت‌ها از آلبوم‌هایی که باب میلشان هست، استقبال می‌کنند. این آهنگساز در خاتمه در خصوص برگزاری کنسرت خاطرنشان کرد: در حال حاضر به دلیل اینکه مشغول تدریس هستم و این مقوله نیز بسیار وقت گیر است اجرای کنسرتی را در برنامه‌هایم ندارم.

استقبال از موسیقی کلیسایی در فستیوال جاز نیواورلئان

مهر : «آه کاترینا...» ترانه‌ای ملهم از موسیقی کلیسایی و با موضوع توفان کاترینا و خرابی‌های آن است که به عنوان ترانه محبوب فستیوال نیواورلئان شناخته شد. به گزارش رویترز قطعه «آه کاترینا...» که با موضوع توفان کاترینا و خرابی‌های آن به بازار آمده، از این بالای طبیعی به وجود آمده و به عنوان یکی از پرطرفدارترین قطعات فستیوال امسال شناخته شده است که در حال و هوای موسیقی کلیسایی ساخته شده است. در فستیوال جاز نیواورلئان که در آخرین روزهای هفته گذشته در محل نیواورلئان گشایش یافته است و به مدت دو هفته به طول می‌انجامد، برترین و بزرگترین خوانندگان، موسیقی‌مندان، آهنگسازان و ترانه‌سرایان موسیقی جاز سراسر دنیا گرد هم آمده‌اند. امسال نیز به‌رغم خرابی‌های به بارآمده در منطقه نیواورلئان که بسیاری از مناطق این شهر را ویران کرده است، این فستیوال برگزار شد و در آن افرادی چون «باب دیلن» آهنگساز معترض ایرلندی و اسپرینگستون نوازنده و خواننده مطرح جاز به اجرای موسیقی پرداختند.

در این فستیوال در کنار اجرای قطعات جاز با استفاده از سازهای الکتریکی، قطعات بومی جاز و به خصوص جاز منطقه اورلئان نیز اجرا می‌شود. همچنین قطعات مذهبی و کلیسایی که بیشتر توسط سیاهپوستان دروگه از قدیم در این منطقه اجرا می‌شده است، در این فستیوال ارائه شد.

ویلیام کیندرمن، پیانیست و موزیکولوگ

پروفسور «ویلیام کیندرمن»^۱ پیانیست و موزیکولوگ برجسته برای سالیان متمادی مطالعات خود را در مدرسه هنرهای برلین و دانشگاه‌های «ویکتوریا» و «بریتیش کلمبیا» بر آثار بتهوون متمرکز کرده است. از میان تالیفات^۲ او دورساله که هر دو در تحلیل شیوه آهنگسازی بتهوون نگارش یافته‌اند به لحاظ آکادمیک شاخص محسوب می‌شوند. او همچنین سرپرستی پروژه‌ای را در رابطه با انتشار دست‌نوشته‌های بتهوون در دست دارد. کیندرمن در مقام پیانیست تاکنون ضبط‌هایی از آثار متاخر بتهوون نظیر سونات‌های اپوس ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱ و همچنین «واریاسیون‌های دیابلی» به دست داده است. او در سلسله درس‌گفتارهای تحلیل موسیقی خود نقش نوازنده قطعات را بر عهده گرفته است. همکاری اخیر کیندرمن با «آلفرد برنلد»^۳ که خود از مفسران برجسته بتهوون در سده بیستم محسوب می‌شود اهمیت دستاوردهای وی را عیان‌تر ساخته است.

این نوشته ترجمه قطعه‌ای است از مقاله کیندرمن راجع به آثار پیانویی بتهوون که برای نخستین بار سال ۲۰۰۰ توسط انتشارات دانشگاه کمبریج به چاپ رسیده است. این قطعه در ادامه چند پاراگراف آغازی مشخصاً به واریاسیون‌های اپوس ۱۲۰ موسوم به «واریاسیون‌های دیابلی» اختصاص می‌یابد.

اپوس ۱۲۰ به طور قطع طویل‌ترین اثر پیانویی بتهوون است. مصنف در دوران تصنیف این مجموعه واریاسیون کاملاً ناشنا خواسته بود.

در اینکه «واریاسیون‌های دیابلی» در زمان حیات بتهوون درک نشده واماند تردید نمی‌توان کرد؛ حقیقت امر این است که همین وضعیت تا به امروز نیز تداوم یافته است.

این اثر گاهی چندان مهیب نمی‌نماید که حتی شنودش را به طور یک نفس ناممکن جلوه می‌دهد.

مراحل تکمیل اپوس ۱۲۰ کمابیش به موازات تصنیف «میساسولمنیس» صورت گرفته است. همچنین کیندرمن معتقد است که هیچ کدام از دیگر آثار بتهوون تا بدین پایه سرشار از طنز، اشاره و نقل قول نیست: «تنها با ردیابی دست‌نوشته‌ها و طرح‌های اولیه این اثر می‌توان منشأ و روند شکل‌گیری اش را دریافت. . . .

۱

«بتهوون» بیشتر در کودکی براساس ملودی‌های آشنای دیگر مصنفان واریاسیون‌هایی را بداهه کرده بود. او پس از عزیمتش به «وین» در سال ۱۷۹۲ مجموعه واریاسیون‌هایی براساس تم‌هایی از «دیتردورف»، «گرتزی»، «هایبل»، «موتسارت»، «پایزبلو»، «ریچینی»، «سالییری»، «تسوسمایر» و «وینتر» نوشت. حالت بداهه وار این قطعات می‌تواند



پیش پاافتاده‌ای برخاسته است. تمی متعلق به «آنتون دیابلی»^۴ ناشر (تصویر ۱) که در سال ۱۸۱۹ شمار زیادی از مصنفان را فرا خواند تا هر یک قطعه واریاسیونی بر آن تصنیف کنند. البته ناشر با این فراخوان قصد تبلیغ تشکیلات خود را داشت. بتهوون در وهله نخست از پذیرش دعوت دیابلی سر باز زد. حتی او یک بار تم پیشنهادی دیابلی را به تکه‌ای وصله کفاشی (Schusterfleck) تشبیه کرد. فارغ از عکس‌العمل اولیه بتهوون اندکی بعد او خواسته ناشر را به طرز تکان دهنده‌ای عملی کرد. تا تابستان همان سال بتهوون به جای یک واریاسیون طرح بیست و سه واریاسیون را بر روی تم دیابلی ریخته بود.

البته طرح‌های نهایی این اثر مهیب نیواورلئان – پس از توفان کاترینا صحنه موسیقی نیواورلئان، که همراه با خود شهر دچار پرمردگی و خودمگی شده بود با آغاز فستیوال سالیانه جز و میراث فرهنگی، جان نازه‌ای گرفت. این فستیوال لحظاتی جادویی از حضور بزرگان موسیقی محلی و ستارگان مشهور این هنر را برای علاقه‌مندان به ارمغان آورده است. این جشنواره که از زمان توفان ویرانگر، بزرگترین رویداد موسیقی در این شهر به شمار می‌رود در دو هفته برقرار و میزبان گروه‌های موسیقی از بلوز و راک گرفته تا گاسپل (موسیقی کلیسایی سیاهپوستان) بود. هزاران تن از علاقه‌مندان در مکان‌های سر باز اجرا جمع شدند و در میان چندین صحنه مختلف در رفت و آمدند. نشانه‌هایی از روزهای کارناوال شادی به خصوص Mardi Gras در میان شرکت‌کنندگان به چشم می‌خورد– یک گروه نوازنده سازهای برنجی که با تماشاگران در حال رقص دوره شده‌اند، به دنبال یکدیگر وارد محوطه نمایش می‌شوند و حضاران پرهیاهو سفیدی را در دست گرفتند که آنها را با آوای شیورها حرکت می‌دادند. برای بسیاری از اهالی موسیقی، آغاز این فستیوال در روز جمعه نوعی بازگشت به خانه به شمار می‌رود و به تخفیف رنج‌های چند ماه گذشته کمک می‌کند. پس از توفان عده بسیاری مجبور به ترک شهر شدند و تنها نیمی از اهالی در شهر باقی مانده بودند. جان توماس گرینفیت (نوازنده گیتار گروه Cowboy Mouth نیواورلئان – که در طی ماه‌های

موسیقی و تجسمی



بتهوون و واریاسیون های دیابلی

پایانی بی‌بازگشت

ویلیام کیندرمن

ترجمه: سپهر معینی

در سال ۱۸۲۳ مشتمل بر سی و سه واریاسیون تکمیل شد؛ اثری که «هانس فون بولو»^۵ تجلی تمام عیار نیوغ بتهوون می‌دانستش و «آلفرد برنلد» آن را سترگ‌ترین اثر پیانویی در تمامی ادوار. بالاخره اینکه مشخصه «ابتدال» در تم دیابلی برای کل اثر بتهوون نقش مهمی ایفا می‌کند. مصنف نقصان در این تم را شکلی از «طنز» قلمداد می‌کند.

به عنوان نمونه بتهوون در واریاسیون سیزدهم (تصویر ۲) آکوردهای تکرار شونده را به فرم سکوت ادا می‌کند. بالعکس در واریاسیون بیست و یکم (تصویر ۳) مصنف بی‌هیچ تعارفی ابتدال نهفته در تکرار بی‌پایان یک آکورد را به رخ می‌کشد واریاسیون نهم (تصویر ۴) یکسره حاصل انباشت عنصر مسخره‌ای است که آغازگر تم دیابلی بوده است.

در واریاسیون بیست و دوم (تصویر ۵) بتهوون در نهایت ظرافت به بخش «Notte e giorno Faticar» از آغاز اپرای «دن حیوانی»^۶ موتسارت رجعت می‌کند. در اینجا نقل قول (allusion) مصنف از موتسارت بسیار عالی صورت گرفته است

و دلیل این امر منحصرأ به تشابه تماتیک میان تم موتسارت و واریاسیون بتهوون مربوط نمی‌شود بلکه بتهوون در این نقل قول به شخصیت «له پورلو» (Leporello) از اپرای «دن حیوانی» اشاره می‌کند. نگاه بتهوون با این تم– همچون رابطه میان له‌پورلو و اربابش (دن جیوانی)– انتقادی ولی صادفانه است. واریاسیون‌ها از این مقطع به بعد همچون منش له پورلو، سمت و سوی متفاوتی را در پیش می‌گیرند، واریاسیون بیست و سوم (تصویر ۶) تمثیلی اتودوار است که به نحوی غیرمستقیم متد نوازندگی «کرام»^۷ را به استهزا می‌کشد در حالی که واریاسیون (Fughetta) بیست و چهارم (تصویر ۷) نشان از قربانی با قطعات دفنر سوم

«Clavierbung» اثر باخ دارد.

«واریاسیون‌های دیابلی» سرانجام به «موتوه» ای موتسارتی ختم می‌شود.

در اینجا مشخصه‌های ریتمیک بسیار استانداردانه طرح شده‌اند و در بخش «کودا» (Coda) به بافتی اثری منجر می‌شوند که «آریتا» (Arietta) از پیانو سونات اپوس ۱۱۱ بتهوون را تداعی می‌کنند. واپسین شگفتی اثر نیز در همین نقطه روی می‌دهد: «آریتا» که [به لحاظ تاریخی] بی شک متأثر از پروژه دیابلی بوده در اینجا به منشأ و الگوی شکل دهنده آخرین عضو از واریاسیون‌های دیابلی بدل می‌شود. بدین نحو سرنوشت مجموعه‌ای از نقل قول‌های پی‌درپی در آخر خط به گونه‌ای (خوددرجایی) (Self-Reference) می‌انجامد، همه چیز از یک تکه والس چرند آغاز شد و باطنه و طنز به علو درجات استحاله یافت. در واپسین لحظات بتهوون مجدداً اشاره کوتاهی به آکوردهای تکرار شونده در والس دیابلی می‌کند و در وسط کار همه چیز در آکوردی روی ضرب ضعیف متوقف می‌شود (تصویر ۸). بالطبع تنش حاصل از همین آکورد آخری بر «ارادی» بودن شیوه کار بتهوون صحه می‌گذارد تا فرآیندی صرفاً ناآگاهانه هم اینک در میزان‌های فرجامین اثر. «auf Nimmerwiederkehr»^۸ از قول «کرتشمار» در دکتر فاوست توماس مان مواجهه شده‌ایم: «پایانی بی‌بازگشت!»

بی‌نوشت‌ها:

1- William Kinderman

۲– تالیفات کیندرمن:

- Beethoven’s Diabelli Variations
- Beethoven’s Compositional Process (Editor)
- The Second Practice of Nineteenth Century Tonalty (Editor)

علاوه بر سه کتاب فوق رساله مفصلی نیز با موضوع «بتهوون» از کیندرمن به چاپ رسیده است.

3- Alfred Brendel (1931)
4- Die Geschopfe des Prometheus (Opus 43)

چندی بعد بتهوون همین تم را اساس بنای موومان آخر از سمفونی سوم (Eroica) قرار داد. توفیق او در این سمفونی موجب شد تا «تم» مورد بحث نایسته به جایگاهش در سمفونی سوم به Eroica ملقب شود.

5- Anton Diabelli (1781-1858)
6- Hans Von Bulow (1830-1894)
7- Don Giovanni
8- J.B.Cramer



وودو وoodoo ترزین شده بود، به نرمی درباره شهر مورد علاقه‌اش به خواندن پرداخت. به گفته گریفیت نیواورلئان نه تنها یک مرکز موسیقی است، بلکه موسیقی هم مرکز و کانون تصویر رنگین و پربرکت این شهر است. «عده بسیاری از مردم نمی‌دانند که نیواورلئان تا چه حد بر جامعه موسیقی خود حساب می‌کند، موسیقی روح شهر است و در واقع زندگی شهر با موسیقی به جریان می‌افتد.» و به همین دلیل بسیاری از بزرگترین نام‌های عرصه موسیقی به برقراری این جشن کمک کرده‌اند. گروه موسیقی دیو متیوز، که مانند دیلن قبلاً بود در این جشنواره شرکت کرده هم، روز شنبه گذشته به اجرای برنامه می‌پردازد. اسپرینگستین، یکی از ستارگانی است که در شامگاه یکشنبه، برنامه پایانی هفته اول را اجرا کرد.

فستیوال جز در تعطیلات آخر هفته دیگر هم ادا می‌پیدا کرد و کسانی چون کیت، پاول سایمون، ایرما توماس و فنس دومینئو – که از زمان ترک نیواورلئان تاکنون حضور عمومی نداشته‌اند – برنامه اجرا کردند.

منبع : *گفت‌وگوی هارمونیک*

ریتم

درباره کنسرت دیوید گیلمور

دود و لیزر

ترجمه: هادی خوشنویس

وقتی که دیوید گیلمور در آخرین کنسرت خود در ماه گذشته بدون یاران قدیمی خود بعد از مدت‌ها کنسرت اجرا می‌کرد برنامه‌اش را به دو بخش تقسیم کرد؛ قسمت اول آهنگ‌هایی از آلبوم جدید او با نام «بر روی جزیره» که گیلمور به خاطر آن آنجا بود و بخش دوم آهنگ‌هایی از گروه قدیمی پینک فلوید که علت حضور مخاطبان در آنجا بود.

هرچند دیوید گیلمور به عنوان یکی از باوقارترین کارکنشده‌های آوانگارد موسیقی راک شناخته شده است، اما همیشه در مورد این صفت اتفاق نظر وجود ندارد. این وقار و نزاکت از میان مخاطبان موسیقی گیلمور رخت برپسته است. آنها با خوشحالی گوش می‌دهند، گاهی هیجان‌زده می‌شوند، چراکه می‌دانند بعد از آن‌ترکت بین دو بخش کنسرت به آن چیزی می‌رسند که برای آن بهای بلیت را پرداخته‌اند: دود و لیزر، یک رخوت آرام.

موسیقی پیشروی پینک فلوید بارها چهره عوض کرده و تغییر سبک داده است. این دگرگونی‌ها باعث می‌شود که به جای صحبت از یادگار پینک از یادگارهای گوناگون صحبت کنیم. در کنسرت‌های گیلمور می‌توانید هر آهنگی را بشنوید: از آهنگ «دوینو» ساخته عضو سابق گروه سیدبرت که کمی بعد از آمدن پینک گروه را ترک کرد تا صدای ازلی فلز خالق جیع‌های بلند آهنگ «پرواز» از آلبوم سال ۱۹۷۱.

حتی این صداها را در آثار گروه‌های دیگر هم بشنوید، در گروه‌های جوانی که صدای فریادهای راک و کنوازی‌های گیلمور را تکرار می‌کنند. در این کنسرت، گیلمور وقار را میان رفته مخاطبان را به آنها یادآوری می‌کند. آرام به‌گاهی ننت را جابه‌جا می‌کند و هیچ حرکت تندی انجام نمی‌دهد. بسیاری از گروه‌های جدید تلاش می‌کنند این میراث‌های به جا مانده از گروه آوانگارد دهه هفتاد را انعکاس دهند. شواهد قلدرتمندی از این ادعا در آثار گروه‌هایی مانند فلیمنینگ لیزر و سیکرت مشینیز دیده می‌شود.



گیلمور در این کنسرت نشان داد همچنان از آوانگارد بودن استقبال می‌کند. مهمانان متعجب شب کنسرت دوستان قدیمی گیلمور بودند: گیلمور کراسبای و گراهام نش. دوستانی که عکس آنها روی جلد آلبوم جدید حک شده است، آلبومی که با همکاری فیل مانزائرا کهنه‌نواز گروه راکسی موزیک ساخته شده است. آلبومی از اولین تک‌نوازی بعد از ۱۹۸۴ گیلمور که برای یک کارآزموده قدیمی راک، خوشنبرد و حتی خواب‌آور به نظر می‌آید. اما او می‌داند که آثار او برای طرفداران قدیمی همان چیزی است که آنها می‌خواهند. نیمه اول این کنسرت آرام و نرم بود. موسیقی این نیمه به نوعی از موسیقی عرفانی و شاید نمایاندن توانایی‌های گیلمور که خوشبختانه گروه‌های جدید از آن سرمشق نمی‌گیرند اختصاص داشت. این بخش برای طرفداران گیلمور بخش خوب و جذابی بود، چراکه گاهی کم‌اثرترین تمایلات یک موسیقیدان شاید آنهای باشند که ذاتی‌ترین هستند و بیشترین اثر را بر روی خوانندگان دارند. هنگامی که گیلمور در پیش درآمد آهنگ «آسمان سرخ شب» نت‌های آرامی را با ساسیفون نواخت با غریو حضاران روبه‌رو شد و این نشان می‌دهد که ساسیفون هنوز می‌تواند در دستان گیلمور به طور قطع اثرگذار باشد.

اعتراض کوروش یغمایی به عدم رعایت قانون در حقوق مادی و معنوی آثارش

کوروش یغمایی خواننده و آهنگساز به رعایت‌نشدن قانون در زمینه حقوق مادی و معنوی آثارش اعتراض کرد. او در این یادداشت درسایت رسمی خود آورده است: «در مورد قاچاق کارهایم باید بگویم که سال‌های سال است در درون و برون از ایران بدون اجازه من این کار نادرست را انجام می‌دهند و دست و زبان من هم در این زمینه در درون و برون به جایی نمی‌رسد. بنابراین در این هنگام ناگزیر به شکایتی هستم. اما به نازگی آگاه شدم که (سی‌دی) و (ام‌پی‌تری)‌هایی را از کارهای من به فروش می‌رسانند که آلبومی به نام (نو) که از من نیست و نمی‌دانم کار چه کسی است و آن را درمیان ترانه‌های من جا زده‌اند و با نام من به فروش می‌رسانند. اینها دیگر روی قاچاقچیان هنری را هم سفید کرده‌اند. وی ادامه‌داد: کسی نیست به این آقاییان بگوید شما که از فروش قاچاقی این کارها زندگی خود را می‌گذرانید، نمی‌دانید در حال بریدن شاخه‌ای هستید که خود بر آن تکیه زده‌اید. این دیگر نمک‌نشناسی است. آیا برای پول درآوردن از هیچ کاری رویگردان نیستید حتی به بهای ویرانی فرهنگ خودتان. همه کسانی که این DVD را برای نخستین‌بار شنیده‌اند، با هوشیاری، دوگانگی و چگونگی این آلبوم و دیگر ترانه‌ها را به سادگی دریافته‌اند. کوروش یغمایی به تازگی آلبوم «ملک‌جمشید» را با بازده تازه پس از چهار سال کار مداوم تهیه کرده که آماده گرفتن مجوز برای پخش است. به نوشته سایت رسمی این خواننده این آلبوم از حدود پنج ماه پیش تاکنون جهت اخذ مجوز مورد پدیش و بررسی مرکز موسیقی قرار گرفته است و تاکنون مراحل مختلف اخذ مجوز (تصویب اشعار – تصویب موسیقی و دو اصلاحیه در ترانه ملک‌جمشید بخش کرا) را پشت سر نهاده و با تصویب آخرین مرحله آن که طراحی جلد آلبوم است حدود دو هفته است که آماده گرفتن مجوز برای پخش است. تمامی مراحل اجرا، ضبط، صدابرداری، انتخاب اشعار، آهنگ‌سازی و آرایش سازها توسط کوروش یغمایی انجام گرفته است. آلبوم «ملک‌جمشید» دارای یک ترانه به همین نام است که حدود هشت دقیقه است و انجام مراحل مختلف آن (آهنگ‌سازی، آرایش سازها، اجرا و …) حدود یک سال به طول انجامیده است. این ترانه دارای هشت فرم موسیقایی از قبیل حاسی، راک، بلوز، وهمی، شرقی و … است.